

مسئولیت مدنی بین المللی در رابطه با زیان های هسته ای

الهام السادات مصطفی زاده^۱

^۱ دانشگاه تهران پردیس بین المللی کیش، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

الهام السادات مصطفی زاده

njmirani@yahoo.com

چکیده

از انقلاب صنعتی و میل کشورها به استفاده از انرژی های نوین، انرژی هسته ای نیز از جمله انرژیهای پاک لقب گرفت که مورد توجه کشورها قرار گرفت؛ اما استفاده نظامی از آن در طول جنگ جهانی دوم از سویی و حوادث پیش آمده در قبال محافظت از این تاسیسات از سوی دیگر، موجبات تداعی مسئولیت مدنی و داشتن قوانین مدنی در این زمینه برای دولت ها گردید. این مساله در کنوانسیون های مختلف بین المللی نیز مورد توجه بوده است و دولت ها برای شناسایی این مسئولیت ها ناگزیر از داشتن قوانین مدنی در این زمینه هستند که از اصول و قواعد بین المللی نیز باید پیروی نماید. در قوانین بین المللی نیز حوادث اتمی را کنوانسیون پاریس خسارت به حیات و بهداشت انسان ها و ضرر و زیان یا خسارت به اموال و سایر خسارات تعریف نموده است که ریشه در مبانی حقوق بشری دارد و این کنوانسیون بابت خسارات وارده یا از دست دادن حیات هر شخص و خسارت یا ضرر و زیان هر مالی که بر اثر یک حادثه در تاسیسات هسته ای یا در طول حمل و نقل مواد هسته ای به وجود آمده باشد، غرامت پیشبینی کرده است و پروتکل ۱۹۹۷ نیز قلمرو مسوولیت را توسعه داده و علاوه بر خسارات جانی و مالی خسارات وارد بر محیط زیست، زیان های اقتصادی، عدم النفع هزینه های بازسازی محیط زیست، ضررهای وارد بر درآمد در نتیجه ورود خسارات به محیط زیست و هزینه اقدامات پیشگیرانه را نیز در بر گرفته است و بالطبع دولت ها در نظام داخلی خود نیز ملزم به داشتن قوانین مدنی در این زمینه هستند؛ لذا این پژوهش با روش تحلیلی استنتاجی به بررسی قوانین مدنی دولت ها در قبال حوادث اتمی، مسئولیت آن ها در این باب و مبانی آن می پردازد.

واژگان کلیدی: دولت، قوانین مدنی، مسئولیت، حوادث اتمی

مقدمه

نیاز به انرژی هسته ای واقعیتی انکارناپذیر است حال وقوع، در عین حوادث اتمی و خسارات ناشی از آن امری غیرقابل اجتناب است که این مساله دولت ها را در مسیر وضع مقررات خاصی سوق داده است. نتیجه این امر شکل گیری قوانین خاص و کنوانسیون های بین المللی مسئولیت هسته ای است. یکی از مسایل پیچیده در این میان تعیین مسئول جبران خسارت است. بدین ترتیب قوانین و کنوانسیون های مذکور از یک سو با طرح اصل کانالیزه کردن مسئولیت بهره بردار، وی را به عنوان مسئول جبران خسارات اتمی معرفی می نمایند و از سوی دیگر با اعمال اصل مداخله ای زیاد دولت نسبت به تدارک خسارات مازاد بر مسئولیت بهره بردار، از تضییع حقوق قربانیان جلوگیری می کنند.

همان طور که حادثه چرنوبیل نشان داد، محدوده جغرافیایی خسارت ناشی از حادثه هسته‌ای محدود به مرزهای ملی نیست و به عبارت دیگر ممکن است آلودگی از طریق حادثه‌ای در درون یک کشور، موجب آسیب به کشورهای دیگر گردد. در صورت وقوع یک حادثه هسته‌ای که منجر به خسارت در بیش از یک کشور شود، لازم است که حمایت از مصدومین حادثه از طریق رژیم مسوولیت مدنی، به طور یکسان به کشورهای متأثر از حادثه مزبور اعطا گردد. البته گرچه کیفیت بالای صنایع هسته‌ای به این معنی است که خطر ایجاد حادثه هسته‌ای بسیار کم میباشد، ولی میزان بالای خسارت احتمالی ناشی از یک رویداد هسته‌ای و همچنین تعداد قابل ملاحظه حمل و نقل مواد هسته‌ای، مستلزم همکاری بین‌المللی کلیه کشورها در وضع قوانین و مقرراتی است که بتواند رژیم مسوولیت جامع و واحدی را در این زمینه به وجود آورد.؛ لذا این پژوهش با روش تحلیلی-استنتاجی به بررسی قوانین مدنی دولت‌ها در قبال حوادث اتمی، مسوولیت آن‌ها در این باب و مبانی آن می‌پردازد.

بررسی مفهوم دولت

حقوق عمومی از دولت برمی خیزد و بر دولت نیز اعمال می‌گردد. عامل و موضوع اصلی حقوق عمومی دولت است. اما دولت را هیچ‌گاه نمیتوان تنها عامل و موضوع حقوق عمومی دانست.^۱ زندگی بشر در چارچوب دولت آغاز و پایان می‌یابد. دولت علاوه بر اینکه مفهومی پیچیده است، واقعیتی روزمره هست که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.^۲

۱- در مفهوم کلاسیک دولت بر واقعیت‌های چندی استوار است که به سه شاخصه‌ی مادی به شرح زیر شناسایی می‌گردد:

بند اول: سرزمین

دولت در چارچوب مرزهای خاصی محدود می‌شود. این مرزهای جغرافیایی و یا سیاسی در محدودهی خاصی واقع می‌شود که بیانگر اعمال صلاحیت‌های دولت می‌باشد.

بند دوم: جمعیت

جمعیت گروه انسانی است که در یک محدوده‌ی مشخص فراتر از نظر نژاد و مذهب و رنگ بر اساس آرمانی مشترک مبادرت به زیست جمعی می‌نماید.

بند سوم: حاکمیت

یکی از ویژگی‌های اصلی دولت است و مفهوم آن این است که هیچ قدرتی برتر از قدرت دولت^۳ها وجود ندارد. به عبارتی دیگر عالی‌ترین اقتدار در دولت است که ممکن است در یک فرد (پادشاه مطلقه) و یا در مجمعی از افراد (مانند پارلمان) تجلی یابد. با این اوصاف باید گفت که وجود دولت در زندگی اجتماعی بشر، یک نیاز فطری و طبیعی است. حاکمیت دارای سه کارکرد حقوقی قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی است. در این مفهوم دولت به صورت عام و در معنای حاکمیت شناخته می‌شود.

۲- دولت در مفهوم نوین: بحث در باره دولت حقوقی در نگاه نخست بدین معناست که حقوق در زندگی اجتماعی و سیاسی حکومت می‌کند و این دست کم به طور ایده‌آل با حکومت زور و در نمای معین با دولت ماهیتاً بی‌قاعده و بی‌سازمان در تقابل است و به خصوص در سطح ویژه حقوقی می‌تواند بدین معنا باشد که دولت فعالیت مشخص خود را بنا بر قاعده‌های معین و در درجه اول بنا بر قاعده‌های حقوق عمومی (نظام قانونی اختیارها) تعیین و مرزبندی می‌کند. دومین معنی اصطلاح همزمان بسیار دقیق و فنی است. دولت به عنوان نهاد سیاسی فرماندهی و سلطه‌گری باید در اعمال قدرتش تابع اصل قانونیت باشد. در این صورت، سیاست به مثابه شکل هستی دولت باید نسبت به همبود اجتماعی (communaute' social) یادگیر موردها تابع اصول حقوقی مثبت مبتنی بر عقل باشد که معیار پایبندی دولت به قانون و حدود اختیارهای مندرج در آن است.^۳

۱. گرجی، علی اکبر، مبانی حقوق عمومی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۰

۲. وینسنت اندرو، نظریه دولت، برگردان حسین بشیریه، تهران: نشر نی، چاپ نخست، ۱۳۷۱، ص ۱۷

۳. وبر، ماکس؛ اقتصاد و جامعه، ترجمه مهرداد ترابی‌نژاد و دیگران، تهران، سمت، ص ۵۸

بند اول: دولت و حقوق بشر

یکی از اصلی ترین مشخصه های دولت در معنای نوین که ملزم به داشتن قواعدی مصرح و متقن برای حفظ حقوق شهروندان و تضمین حقوق آنان در قبال پیشامدهایی همچون حوادث اتمی است بحث الزام دولتهای پسوستفالیایی به رعایت حقوق بشر می باشد.

بند دوم: مفهوم سیاسی دولت

دولت حقوقی حتی پیش از پیدایش فرمول بندی حقوقی اش، یک در خواست سیاسی بود که طی دو دهه پیش از انقلاب ۱۸۴۸ به شدت مطرح گردید. در این دوره جریان های مختلف محافظه کار یا واپس گرا مخصوصاً در آلمان برای احیای نظم سیاسی پیشین Obrigkeitsstaat (دولت تام گرا، دولت اعلی حضرت) کوشیدند. آن ها اندیشه سازماندهی قانونی اختیار های دولت را رد کردند. اصطلاح Rechtsstaat (دولت حقوقی) آرزوهای محیط اجتماعی و اقتصادی را که برای حفظ و تضمین استقلال طرز کار آن می کوشد، در خود خلاصه می کند.

گفتار دوم: حقوق و قوانین مدنی

بعد از شناختن مفهوم دولت در برهه های مختلف زمانی، بررسی دقیق حقوق و قوانین مدنی دولت ها در مسیر شناختن این قوانین در محدوده های حوادث اتمی امری اجتناب ناپذیر است که در ادامه تحلیل می گردد. «حقوق مدنی، مجموعه قواعدی است که احوال شخصیه شهروندان یک جامعه را تعیین می کند، مالکیت خصوصی و حقوق اصلی را که شهروندان می توانند در برابر هم به دست آورند و راه های کسب، انتقال و زوال آن حقوق را سازمان می دهد.»^۴

در یک دیدگاه کلی «حقوق مدنی، روابط اشخاص را تنها از این لحاظ که عضو جامعه و مدینه هستند، تنظیم می کند و توجهی به خصوصیت های مربوط به مشاغل گوناگون ندارد. اشخاص، اموال و خانواده، موضوع و قلمرو اساسی حقوق مدنی است.»^۵
در یک نگاه، قلمرو حقوق مدنی عبارت است: حقوق و وضع اشخاص و وابسته های آن ها به خانواده و مال. به عبارتی ۴ دسته کلی ۱- اشخاص و خانواده، ۲- مالکیت ۳- قراردادهای و مسئولیت های مدنی ۴- ارث

گفتار سوم: مسئولیت مدنی

الف: مفهوم مسئولیت مدنی

اصطلاح مسئولیت مدنی در زبان حقوقی نمایانگر مجموعه قواعدی است که وارد کننده زیان را به جبران خسارت زیان دیده ملزم می سازند، از دیدگاه دیگر هرگاه که شخصی در برابر دیگری نگزیر از جبران خسارت باشد، در برابر او مسئولیت مدنی دارد^۶ در رابطه با تعریف مسئولیت باید گفت مسئولیت به معنای تعهد قانونی شخص بر رفع اثرات اضرائی است که به دیگری وارد کرده است. خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او باشد.^۷

عقل نیز حکم می نماید که شخص باید پاسخگوی برخی از اعمال خویش باشد و در هر مورد که بر اثر تقصیر یا بی مبالاتی شخصی، ضرر و زبانی به دیگران وارد آید، عامل این ضرر و زیان مکلف به جبران خسارت باشد می گویند که برابر وی مسئولیت مدنی دارد و یا به عبارتی دیگر ضامن خسارت وارد شده می باشد و باید آن را جبران نماید.^۸

ب: انواع مسئولیت در حقوق داخلی

به طور کلی انواع مسئولیت دولت ها را با نگرشی به حقوق داخلی، می توان به شرح ذیل برشمرد:

بند اول: مسئولیت اخلاقی و مسئولیت مدنی:

به طور کلی منظور از این مسئولیت اخلاقی به معنای مسئولیت انسان در برابر وجدان بیدار خویش و یا وجدان جمعی جامعه است. در رابطه با مسئولیت اخلاقی باید گفت این شکل از مسئولیت کاملاً جنبه درونی و شخصی را دارد و برای مسئول شناختن فاعل لازم است که اندیشه و وجدان اخلاقی او مورد بررسی قرار بگیرد.

^۴ . ساکت، محمدحسین؛ شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی، مشهد، گوتنبرگ، ۱۳۷۶، چاپ دوم، ص ۴۹

^۵ . کاتوزیان، ناصر؛ مقدمه علم حقوق (مطالعه در نظام حقوقی ایران)، تهران، بهمن برنا، ۱۳۷۳، چاپ هجدهم، ص ۸۸

^۶ . کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۷، ص ۳۴

^۷ . جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۸، ص ۶۴۲

^۸ . صالحی ذهابی، جمال، الماسی، نجادعلی، (راهنما)، قانون حاکم بر مسئولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه

در رابطه با تفاوت های این دو نهاد باید گفت در مسئولیت اخلاقی ورود ضرر شرط نیست اما در رابطه با مسئولیت مدنی باید گفت یکی از ارکان ایجاد مسئولیت مدنی ورود ضرر به زیان دیده است، ضرر می تواند به صوت مادی و یا معنوی به زیان دیده وارد گردد. دومین موردی که می توان در تفاوت این دو نوع از مسئولیت ذکر نمود این است که تشخیص وجود مسئولیت اخلاقی امری درونی اما تشخیص وجود مسئولیت مدنی امری عینی است که معمولاً به وسیله قانون گذار و یا عرف مشخص می شود.

بند دوم: مسئولیت مدنی و کیفری:

مسئولیت کیفری عبارت است استحقاق تألم و تأثر انسانی در برابری عمل ممنوع وی یا خودارزش از کردار واجب که قانون برای هر دو موضوع (فعل و ترک فعل) ضمانت کیفری مقرر نموده است، به طور کلی در رابطه با مهم ترین تفاوت های مسئولیت کیفری و مدنی باید گفت مسئولیت کیفری تابع اصل قانونی بودن حقوق جزاست اما در مسئولیت مدنی صرف ورود خسارت موجبات مسئول شناختن وارد کننده زیان را فراهم می سازد، در عین حال در مسئولیت کیفری قانونگذار بادیگاهی اصلاح طلبانه و از دیدگاه حقوق عمومی به مجرم می نگرد، اما در مسئولیت مدنی تنها لازم است که وارد کننده زیان آن را جبران نماید. مسئولیت کیفری ضمانت اجرای تجاوز به حقوق عمومی است و شدت آن بستگی به درجه اخلاقی دارد که در نظم عمومی ایجاد می شود ولی ماهیت مسئولیت مدنی جبران خسارت است.^۹ بنابراین می توان دریافت که مسئولیت کیفری تنها بر مبنای تقصیر متهم شکل می گیرد، علاوه بر این مسئولیت کیفری ارتباط تنگاتنگ و گسترده تری نیز با مسئولیت اخلاقی دارد، در مقابل همانطور که گفتیم میزان و دامنه ارتباط مسئولیت مدنی و اخلاقی کمتر است، بنابراین در مسئولیت مدنی، مصالح اجتماعی و لزوم جبران خسارت ایجاد شده ایجاب می نماید که خطا مفهوم اخلاقی خود را از دست داده و چهره نوعی پیدا به طور کلی مبنای مسئولیت کیفری تنها بر پایه تقصیر مرتکب بزه شکل می گیرد اما در مسئولیت مدنی مبنای مختلفی مانند فرض تقصیر یا خطا و... نیز وجود دارد از سوی دیگر هدف از ایجاد مسئولیت کیفری اصلاح و باز پروری مجرم و تنبه سایرین است در حالی که هدف اساسی مسئولیت مدنی جبران خسارت ایجاد شده میباشد، و در نهایت در رابطه با دیگر تفاوت مسئولیت مدنی و کیفری باید گفت از نظر آئین دادرسی و قوانین کیفری، دعوای مسئولیت کیفری به وسیله دادستان اقامه می شود و تشریفات ویژه ای دارد، و در صلاحیت دادگاه کیفری قرار دارد. در حالی که دادستان و یا عبارتی مقام عمومی تعقیب جرایم نقشی در دعوای مسئولیت مدنی ندارد و طرح این دعوا بر عهده خود زیان دیده می باشد اما به هر صورت باید اذعان داشت که بسیاری از موارد وقوع بزه همراه با ایجاد ضرر و زیان به دیگران است، و در بسیاری از موارد مرز دقیق و تفکیک شده ای میان این دو وجود ندارد.

گفتار چهارم: مسئولیت در حقوق بین الملل

یکی از موضوعات مهم و پراهمیت حقوق بین الملل در دوران معاصر مسئولیت بین المللی دولت است؛ زیرا که این موضوع رابطه نزدیکی با دیگر حوزه های حقوق بین الملل بویژه مبحث صلح و امنیت بین المللی دارد. بنابراین تبیین دقیق مسئولیت بین المللی دولت و ملزم بودن به آن، موجب توسعه ضمانت اجرای حقوق بین الملل است.

الف: ضرورت مسئولیت بین المللی دولت

نهاد مسئولیت، ساز و کار مهم و اساسی در عرصه حقوق و روابط بین الملل است دولت ها به عنوان تابعان نخستین و سنتی حقوق بین الملل از اختیارات وسیعی در مقابل همدیگر و سایر تابعان برخوردارند؛ حقوق بین الملل کلاسیک بیشتر منافع دولت ها از جمله دولت های بزرگ را تأمین می کرد. این مسئله موجب گردید که دولت های قدرتمند حقوق دولت های ضعیف و یا سایر اعضای جامعه بین المللی را نقض نمایند. دولت ها ممکن بود با نقض تعهدات بین المللی خودشان و یا از طریق ارتکاب اعمال خلاف حقوق بین الملل، موجب ایجاد خسارت شوند بدون اینکه مسئولیتی متوجه آنها گردد. این وضعیت حقوق بین الملل معاصر را بر آن داشت تا به منظور جبران خسارت از زیان دیدگان، مسئولیت دولت را وارد عرصه حقوق بین الملل نموده و آن را توسعه دهد.^{۱۰}

مسئولیت اخلاقی در حقوق بین الملل جایگاهی ندارد و آنچه که در این راستا مطرح می شود تعهد اخلاقی دولت هاست نه مسئولیت اخلاقی آنها. دولت ها مسئولیت کیفری خویش را نیز قبول ندارند تا به امروز هیچ سند بین المللی مبنی بر قبول چنین مسئولیتی به تصویب دولت نرسیده است.

^۹ . کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۹.

^{۱۰} . مستقیم، بهرام؛ طارم سری مسعود، مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران (زیر نظر جمشید ممتاز) انتشارات

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چ اول سال ۱۳۷۷، ص ۱۲۰

ب: مبنا و منشأ مسئولیت بین المللی دولت

در مورد چرایی الزام دولت‌ها به قبول مسئولیت خویش و در نتیجه قبول جبران خسارت از سوی آنان در حقوق بین الملل دو نظریه وجود دارد، که در ادامه تحلیل می‌گردد:

بنداول: نظریه خطر یا ریسک (Theory of Risk)

مطابق با این اصل هر گونه تخلف و تصور نسبت به یک قاعده حقوقی بین المللی (عرفی و معاهده‌ای) موجب مسئولیت بین المللی دولت می‌گردد و بایستی خسارت وارده را جبران نماید، خواه ایجاد این مسئولیت متضمن عنصر خطا باشد و یا نباشد.^{۱۱} این نظریه تحت تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیک و حوادث و خطرات ناشی از آنها شکل گرفته است.

بند دوم: نظریه خطا یا مسئولیت ذهنی (Theory of fault)

طبق این نظریه، علت لزوم جبران خسارات، تقصیر عامل ورود زیان است. در واقع تحقق مسئولیت منوط به خطا و یا سهل انگاری مرتکب است و صرف نقص تعهد بین المللی، موجب ایجاد مسئولیت نمی‌شود. پس تقصیر عنصر اصلی ایجاد مسئولیت است. هر دو نظریه تحت تأثیر وقایع و رویدادهای زمان خوش شکل گرفته است؛ هر دو در کنار هم و در عرض هم رشد کرده‌اند و عمل به یکی به معنای طرد دیگری نیست. به عبارتی هر دو نظریه معتبر و قابل اجراست.

ج: منابع مسؤولیت بین المللی دولت:

مسئولیت بین المللی دولت، اساساً شکل عرفی دارد؛ زیرا هر چند طرح پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل به تصویب رسیده است، اما تاکنون به صورت معاهده بین المللی در نیامده است. بنابراین، در این زمینه، حقوق عرفی، آرای دادگاه‌های بین المللی معاهدات دو یا چند جانبه، به خصوص قطعنامه‌های مجمع عمومی و طرح پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل را باید مورد توجه قرار داد؛ یعنی حقوق مسؤولیت بین المللی را در این موارد باید جستجو کرد. به طور مشخص، در کنار حقوق عام مسؤولیت بین المللی کشورها، تعدادی متون قراردادی بین المللی در زمینه مسؤولیت بین المللی کشورها در موارد خاص وجود دارد. خوشبختانه کمیسیون حقوق بین الملل با مطالعه و بررسی مستمر و دقیق در چهل و هشتمین اجلاسیه خود، که از ۶ تا ۲۶ جولای ۱۹۹۶ در ژنو برگزار شد، طرح پیش نویس مسؤولیت بین المللی دولت‌ها را تکمیل کرد و تا حدی از ابهام و اجمال در این زمینه کاست.

مسئولیت بین المللی دولت‌ها می‌تواند ناشی از اعمال قانونگذاری، اعمال سازمان‌های اجرایی، اعمال سازمان‌های قضایی، اعمال افراد عادی و بالاخره اعمال ارتكابی در جنگ‌ها و انقلاب‌های داخلی باشد.

د: مسؤولیت بین المللی دولت و دکترین

منظور از مسؤولیت دولت، مسؤولیت بین المللی وی در قبال اعمالی است که خود یا مأموران‌اش انجام می‌دهند و به موجب آن به حقوق، جان و مال اتباع خارجی یا منافع یک کشور بیگانه ضرر می‌رسد. واژه نامه اصطلاحات حقوق بین الملل در تعریف مسؤولیت بین المللی می‌نویسد:

«مسئولیت حقوقی بین المللی عبارت از تکلیفی است که به موجب حقوق بین الملل به یک دولت تحمیل می‌گردد تا خساراتی را که در اثر نقض قواعد حقوق بین الملل ناشی از عمل و یا خودداری او در انجام تکالیف به دولت دیگری وارد شده جبران نماید.»

بسیاری از حقوقدانان کشورهای در حال توسعه تأکید دارند که این اصول محتاج اصلاحاتی به نفع کشورهای ضعیف‌تر است. به عقیده «نورو» حقوق مسؤولیت دولت‌ها نه تنها بدون توجه به نظر دولتهای کوچک، بلکه اصولاً علیه آنها تحول یافته است. این حقوق بطور تقریباً کامل براساس روابط نابرابر بین دولتهای بزرگ با کوچک بنا شده است.^{۱۲}

گفتار پنجم: حوادث هسته‌ای (اتمی)

در ادامه بحث شناخت حوادث اتمی ناگزیر می‌نماید تا بدین وسیله به تحلیل قوانین مدنی دولت‌ها در قبال حوادث اتمی نائل شویم.

^{۱۱} . ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم، سال ۱۳۸۴، ص ۴۷۱

الف: مفهوم حوادث و خسارت اتمی

خسارت هسته ای و مفهوم شناسی آن را باید در حادثه ی چرنوبیل جست. موضوعی که در پی حادثه چرنوبیل در نظر گرفته شد، حدود خسارت تحت پوشش کنوانسیونهای پاریس و وین بود. مفهوم خسارت در کنوانسیون پاریس و وین به طور دقیق تعریف نشده بود. بر طبق کنوانسیون پاریس، خسارت هسته ای عبارت است از خسارت به حیات و بهداشت انسانها و ضرر و زیان یا خسارت به اموال و سایر خسارات. کنوانسیونهای وین و پاریس هر دو بابت خسارات وارده یا از دست دادن حیات هر شخص و خسارت یا ضرر و زیان هر مالی که بر اثر یک حادثه در تاسیسات هسته ای یا در طول حمل و نقل مواد هسته ای به وجود آمده باشد، غرامت پیشبینی کرده است. هر دو کنوانسیون در مورد صدمه یا مرگ هر شخص و خسارت یا از دست دادن هر مالی به کار می رود. تعریف دقیق تر در این مورد به عهده قوانین و دادگاههای ملی گذاشته شده است. لازم به ذکر است که کنوانسیون های پاریس و وین در مورد حمل و نقل موادی که خطرات زیادی ندارند استعمال نمی شود. بنابراین حمل و نقل رادیو ایزوتوپهایی که به طور مستقیم برای مصارف صنعتی، تجاری، کشاورزی، طبی یا علمی به کار میروند، در چارچوب کنوانسیون های مزبور قرار نمی گیرند.^{۱۳}

ب: حوادث هسته ای در مقررات داخلی برخی کشورها

برخی از قوانین کشورها در مورد حوادث هسته ای را می توان به شرح ذیل برشمرد:^{۱۴}

بند اول: ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا که دارای ۴/۱ تاسیسات هسته ای دنیا (۱۰۳ رآکتور عملیاتی) است، هنوز عضو هیچ یک از کنوانسیونهای مسوولیت هسته ای نشده است. در حال حاضر در ایالات متحده آمریکا، قانون پرایس اندرسون که اولین قانون مسوولیت هسته ای در دنیا است، از سال ۱۹۵۷ مرکزی برای مورد بحث قرار دادن موضوع مسوولیت ناشی از وقوع خسارات هسته ای می باشد که هر ۱۰ سال یک بار با حمایت قوی دو حزبی تمدید شده است. این قانون تنها فعالیتهای تجاری را تحت پوشش قرار میدهد. پوشش مسوولیت هسته ای این قانون با کنوانسیون های بین المللی و قوانین سایر کشورها متفاوت است.

بند دوم: انگلستان

در انگلستان، قانون انرژی ۱۹۸۳ مقرراتی در این خصوص، با تجدید نظر در کنوانسیونهای پاریس و بروکسل آورده و محدودیتی برای مسوولیت برخی از تاسیسات خاص قایل شده است. در سال ۱۹۹۴ این محدودیت به ۱۴۰ میلیون پوند برای هر یک از تاسیسات اصلی افزایش پیدا نمود. بنابراین، متصدی عملیات (اپراتور) تا این مبلغ مسئول است و باید آنرا بیمه کند که از طریق ائتلاف ۱۳ شرکت بیمه و ۴۰ سندیکای لویدز تحت پوشش قرار گرفته است.

بند سوم: ژاپن

ژاپن اولین کشوری است که حمله هسته ای را در دوران جنگ جهانی دوم به وسیله آمریکا تجربه نمود. پس از جنگ استفاده و توسعه انرژی هسته ای محدود به اهداف صلح آمیز گردید. ژاپن با اینکه دارای ۵۳ رآکتور عملیاتی هسته ای است، هنوز به عضویت هیچ یک از کنوانسیون های مسوولیت هسته ای در نیامده معذالک قانون مسوولیت هسته ای ژاپن عموماً از مقررات کنوانسیونها پیروی کرده است.

بند چهارم: روسیه

روسیه دارای برنامه های تاسیسات هسته ای زیادی است و دارای ۲۹ رآکتور هسته ای می باشد. این کشور نیز هنوز عضو هیچ یک از کنوانسیون ها نشده است. اگرچه فدراسیون روسیه کنوانسیون ۱۹۶۳ وین را در ۸ مه ۱۹۹۶ امضاء کرده اما هنوز اقدامی در جهت تصویب آن بر نداشته است. روسیه مقررات داخلی در خصوص مسوولیت هسته ای و یا در خصوص پروتکل مشترک ۱۹۸۸ ندارد. البته برخی موافقت نامه های دو جانبه را با آمریکا، کمیسیون اروپا، بانک توسعه و بازسازی اروپا، نروژ و آلمان منعقد کرده است.^{۱۵}

13. Convention Supplementary to the Paris Convention on Third Party Liability in the Field of Nuclear Energy (Brussels Convention), Brussels, 31 January 1963. (as amended by the Additional Protocol of January 28, 1964, and by the Protocol of November 16, 1982

^{۱۴}. منتظری، لیلیا، مسوولیت مدنی خسارات ناشی از حوادث هسته ای در معاهدات بین المللی و مقررات داخلی دولت ها، کتابخانه دیجیتالی

تبیین،

15. www.world-nuclear.org/sym/1999/brown.htm

بند هفتم: اتریش

در اول ژانویه ۱۹۹۹، قانون جدید اتریش در مورد مسوولیت مدنی برای خسارات هسته‌ای به مرحله اجرا درآمد. این قانون حاوی تغییرات بنیادی نسبت به معیارهای بین‌المللی رایج در مسوولیت هسته‌ای می‌باشد. به طور مثال، قانون جدید از برخورد با این مساله که کلیه مسوولیتها بر عهده متصدی تاسیسات هسته‌ای می‌باشد، صرفنظر کرده است. صلاحیت دادگاه محدود به صلاحیت دادگاه محل وقوع حادثه نیست، بلکه در حال حاضر دادگاه محلی که خسارت به وقوع پیوسته نیز صلاحیت دارد. همچنین دعاوی هسته‌ای میتواند در اتریش علیه تولیدکنندگان و حتی حمل‌کنندگان آن نیز مطرح گردد. در این قانون هیچگونه محدودیتی برای مسوولیت وجود ندارد زیرا به نظر میرسد که قانون اتریش حق مراجعه به خود سازنده ابزار حمل و نقل را حتی بر اساس تقصیر ساده میدهد. به علاوه مفهوم خسارت به خسارت زیست محیطی و هزینه‌های اقدامات بازدارنده توسعه یافته است.

بند هشتم: لهستان

بر طبق ماده ۱۰۱ قانون انرژی اتمی (۲) لهستان که در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۰ به تصویب رسیده است، متصدی تاسیسات هسته‌ای به استثنای خسارات ناشی از جنگ، منحصراً مسئول است. در زمینه حمل و نقل مواد هسته‌ای نیز این قانون اشعار میدارد که در این زمینه مسوولیت به عهده متصدی تاسیسات هسته‌ای است که این مواد را ارسال داشته است مگر اینکه در قرارداد با تحویل گیرنده، خلاف آن ذکر شده باشد. بر طبق ماده ۱۰۶ آن نیز در صورتی که حادثه هسته‌ای در خارج از سرزمین لهستان صورت گیرد، صلاحیت رسیدگی با دادگاهی است که توسط کنوانسیون وین ۱۹۶۳ مشخص شده است.^{۱۶}

مبحث دوم: حوادث اتمی در حقوق بین‌الملل و مسوولیت دولت‌ها در قبال آن

چون دولتها در خصوص حوادث اتمی، مسوولیت‌های مختلفی مثل پیگیری، ایمنی و اطلاع رسانی و مقابله با خسارات و در نهایت جبران خسارات وارده در صورت وقوع حوادث را دارند، در آغاز این نوشتار لازم است مسوولیت‌های کلی دولت‌ها در پیگیری از ضرر و زیان تبیین گردد و سپس، مسوولیت بین‌المللی دولت‌ها طبق طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل و در نهایت، اصول و روش‌های حاکم بر جبران خسارت ناشی از حوادث اتمی، طبق این طرح‌ها، مورد بحث و گفتگو قرار گیرد. در این نوشتار، کنوانسیون‌های خاص مرتبط با مسائل اتمی (که دولت ایران بدان ملحق نشده) مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

گفتار اول: حوادث اتمی و مسوولیت بین‌المللی دولت‌ها

هنگامی که دولت‌ها به کنوانسیون می‌پیوندند، تعهداتی را قبول می‌کنند که نقض این تعهدات موجب الزام به جبران خسارت به شکل متعادلی می‌شود، حتی اگر جبران خسارت در خود آن معاهده هم نیامده باشد. لذا صرف تخلف از تعهدات بین‌المللی، تعهدآور است حتی اگر خسارتی نیز وارد نشده باشد، اما نحوه جبران این تخلف، حسب مورد، متفاوت خواهد بود. اما در اینجا قبل از جبران خسارت مسوولیت دولت برای پیگیری، ایمنی و اطلاع رسانی و مقابله با خسارات مطرح است. هرگاه با نقض یک تعهد بین‌المللی عمل متخلفانه‌ای صورت پذیرد، الزام به جبران خسارت، به عنوان تعهد ثانویه به وجود می‌آید، ولی در خصوص مسوولیت برای اعمال منع نشده، این تعهد به تعهد اولیه است، یعنی برای ایجاد این گونه مسوولیت‌ها ضرورتی ندارد که تعهدی بین‌المللی نقض شده و یا عمل انجام شده قبلاً ممنوع گردیده باشد.

به عبارت دیگر مسوولیت بین‌المللی، نهادی حقوقی است که به موجب آن، کشور یا سازمان یا نهاد بین‌المللی که اقدامات خلاف حقوق بین‌الملل به آن منسوب است، باید از ورود خسارت جلوگیری یا خسارت وارده به کشور یا نهاد یا سازمان بین‌المللی زیان دیده از آن عمل را بر اساس حقوق بین‌الملل جبران کند.^{۱۷}

پس به طور کلی منظور از مسوولیت بین‌المللی وضعیت حقوقی است که براساس آن دولت متخلف، مکلف به جبران خسارت مادی و معنوی دولت صدمه دیده است و این خسارات باید ناشی از عمل یا خودداری از عمل غیر مشروع و یا مخالف حقوق بین‌المللی (عرفی یا معاهده‌ای) باشد. مسوولیت بین‌المللی را می‌توان ضمانت اجرای اقدامات غیر قانونی یا ضرر بار واقع در صلاحیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل دانست. در حقوق بین‌الملل مسوولیت دولت‌ها دو گونه است:

16. www.world-nuclear.org/sym/1999/brown.htm

^{۱۷}. فیوضی، رضا، مسوولیت بین‌المللی و حمایت سیاسی، انتشارات مرکز مطالعات بین‌الملل، ۱۳۶۲، ص ۱۵

بند اول: اعمال متخلفانه بین المللی

منظور از این نوع مسئولیت، مسئولیتی است که در اثر نقض ضوابط و قواعد حقوق بین الملل برای دولت ها ایجاد می شود. به بیان دیگر واژه Responsibility در ارتباط با اعمال خلاف حقوق بین الملل به کار می رود. لذا چنانچه دولتی اقدام به نقض قواعد و مقررات حقوق بین الملل کند، براساس تعهدات بین المللی خود مکلف به جبران خسارت از طرق مختلف، از جمله اعاده به وضعیت سابق، پرداخت غرامت و جلب رضایت است.^{۱۸}

در این نوع از مسئولیت، عنصر ضرر وجود دارد که ملموس بوده و ناشی از فعل مثبت یا منفی یا مجوزهای صادر شده توسط دولت است. ناگفته نماند که این ضرر ممکن است یا اشخاص، اموال، و یا محیط زیست وارد شود.

بند دوم: اعمال غیر ممنوع

این نوع مسئولیت (Liability) مربوط به اعمالی است که انجام آن در حقوق بین الملل منع نشده است. در این نوع از مسئولیت، خطری به صورت بالقوه وجود دارد که سبب یک مسئولیت برون مرزی می شود. در این نوع مسئولیت همانند نظام های داخلی فرض بر اباحه یا جواز فعالیت ها است.

گفتار دوم: مسئولیت عهدنامه ای دولت ها در حوادث اتمی

به طور کلی منظور از پیشگیری حادثه در حقوق بین الملل، اتخاذ تدابیر و اقدامات مقتضی از سوی دولت ها در جهت جلوگیری از وقوع حادثه و ورود زیان به انسانها و محیط زیست است. یکی از تعهدات پیش بینی شده برای دولت ها در منابع حقوق بین الملل تعهد به پیشگیری از وقوع حادثه و زیان است و تعهد دولت ها در این خصوص تعهد به وسیله است. اصل ۲۱ اعلامیه نهایی استکهلم (۱۹۷۲)، اصل ۲ اعلامیه ریو (۱۹۹۲)، ماده ۸ کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریای مدیترانه (۱۹۷۶)، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله اسنادی هستند که به این مهم و همچنین به حق انسانها نسبت به داشتن سلامت و بهره مندی از محیط زیست سالم پرداخته اند. از این رو یکی از تعهدات اساسی پیش بینی شده برای دولت ها در زمینه فعالیت های هسته ای صلح آمیز، پیشگیری از وقوع حوادث اتمی است. همانگونه که در مطالب پیشین اشاره گردید، دولتها در خصوص حوادث اتمی، مسئولیت گوناگونی دارند. این مسئولیت ها عبارتند از: پیشگیری، ایمنی، و اطلاع رسانی و مقابله با خسارات و در نهایت در صورت وقوع حادثه، جبران خسارت وارد شده به عنوان مسئولیت دولت ها.

بند اول: نظم موجود عهدنامه ای

در باب مسوولیت مدنی سه کنوانسیون بین المللی مورد تصویب کشورها قرار گرفته است :

۱) کنوانسیون پاریس در مورد مسوولیت شخص ثالث در زمینه انرژی هسته ای ۱۹۶۰، که این کنوانسیون بوسیله کنوانسیون تکمیلی ناظر بر مسوولیت شخص ثالث در زمینه انرژی هسته ای مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۳ (کنوانسیون بروکسل) تکمیل شده است و کنوانسیون پاریس و کنوانسیون بروکسل نیز هر دو سه بار بوسیله پروتکل های الحاقی در سالهای ۱۹۶۴ و ۴ و ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ اصلاح شده اند.^{۱۹}

۲) کنوانسیون وین ۱۹۶۳ مسوولیت مدنی در قبال آسیب های هسته ای که در تاریخ ۲۱ مه ۱۹۶۳ به امضاء رسید و در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۷۷ یعنی درست ۳ ماه پس از تودیع پنجاهمین سند تصویب (بر طبق ماده ۲۳) لازم الاجرا گردید.^{۲۰}

۳) کنوانسیون مسوولیت مدنی در زمینه حمل و نقل دریایی مواد هسته ای، بروکسل، ۱۹۷۱، که به موجب کنفرانسی که توسط شورای سازمان کشتیرانی بین المللی (IMO) به همراه آژانس بین المللی انرژی اتمی (IA EA) و آژانس اروپایی انرژی اتمی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، تشکیل شد به وجود آمد. این کنوانسیون که در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۱ به امضاء رسید و در ۱۵ ژوئن ۱۹۷۵

^{۱۸}. ابراهیم گل، علیرضا، مسئولیت بین المللی دولت، شهردانش، ۱۳۸۸، ص ۲۵.

19. Additional Protocol of January 28, 1964, and by the Protocol of November 16, 1982

²⁰. Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage, May, 21, 1963

لازمالاجرا گردید، دارای ۱۲ ماده میباشد. متعاقب حادثه چرنوبیل در سال ۱۹۸۶، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد تمام جنبه‌های مسئولیت هسته‌ای با هدف اصلاح کنوانسیونهای اصلی آغاز به کار کرد و یک رژیم مسوولیت جامع را به وجود آورد. به عنوان نتیجه تلاشهای مشترک دو نهاد مذکور در فوق کنوانسیونهای پاریس و وین بوسیله پروتکل مشترک مربوط به کاربرد کنوانسیون وین و کنوانسیون پاریس، مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۸، با یکدیگر مرتبط گشتند، که این پروتکل در ۲۷ آوریل ۱۹۹۲ لازمالاجرا شد. در سپتامبر ۱۹۹۷ پروتکلی جهت اصلاح برخی از مقررات کنوانسیون وین راجع به مسوولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای به تصویب رسید.^{۲۱}

بند دوم: قلمرو عهدنامه‌ها

کنوانسیون پاریس که در ۲۹ ژوئیه ۱۹۶۰ تحت نظارت و توجهات آژانس انرژی هسته‌ای (NEA) برقرار شد، اکثر کشورهای اروپایی را تحت پوشش خود قرار میدهد، در حالی که کنوانسیون وین که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) به تصویب رسید، جهان شمول است. همچنین علیرغم تشابه بین کنوانسیونهای پاریس و وین، این کنوانسیونها رژیم مسوولیت شخص ثالث متحدالشکلی را برای کلیه کشورهایی که عضو آن کنوانسیونها هستند مقرر نمی‌کنند.

تهیه کنندگان کنوانسیونهای پاریس و وین به این امر علاقه داشتند که حمایت کافی از مردم در مقابل خسارات احتمالی، به عمل آورند. همچنین قصد داشتند که منافع مردم از رشد صنایع هسته‌ای را تضمین نمایند به نحوی که این امر از عدم مسوولیت به مخاطره نیفتد. البته هر دو کنوانسیون هدفشان این است که به نفع کشورهای عضو عمل نمایند، در نتیجه کاربرد آنها مشروط به محدوده سرزمینی خاصی است. البته لازم به ذکر است که محدوده سرزمینی کنوانسیونهای وین و پاریس در مواردی که پروتکل مشترک به کار برده میشود، اصلاح شده است.^{۲۲}

بند سوم: مسوول پرداخت غرامت و نوع مسوولیت

غرامت براساس کنوانسیونهای پاریس و وین توسط متصدی هسته‌ای مسوول پرداخت می‌شود. در اصل مسوولیت به عهده متصدی ارسال مواد هسته‌ای نهاده شده است، زیرا این ارسال کننده است که مسوول بسته‌بندی و جا سازی آن است. مسوولیت دریافت کننده مواد هسته‌ای ناشی از شروط مندرج در یک قرارداد صریح کتبی است.

این کنوانسیون بر مسوولیت انحصاری گردانندگان تاسیسات هسته‌ای تاکید و تصریح میکند. همچنین بر طبق ماده ۴ کنوانسیون وین متصدی تاسیسات هسته‌ای برای خسارات هسته‌ای ناشی از نبرد نظامی، عملیات خصمانه، جنگ داخلی یا شورش مسوول نمی‌باشد. البته باید توجه داشت که مسوولیت مندرج در این کنوانسیونها "مطلق" است. این مسوولیت بدین معناست که زیان دیده یا زیان دیدگان، ملزم به اثبات تقصیر و خطا نخواهند بود بلکه همین قدر که خسارتی وارد شود مسوولیت محرز است. این موضوع باعث تسهیل ادعا، برای جبران خسارت می‌گردد زیرا در زمینه مسایل هسته‌ای، اثبات "خطا" بسیار دشوار است.^{۲۳}

بند چهارم: مفهوم و حدود خسارت

مفهوم خسارت در کنوانسیون پاریس و وین به طور دقیق تعریف نشده بود. بر طبق کنوانسیون پاریس، خسارت هسته‌ای عبارت است از خسارت به حیات و بهداشت انسانها و ضرر و زیان یا خسارت به اموال و سایر خسارات. کنوانسیونهای وین و پاریس هر دو بابت خسارات وارده یا از دست دادن حیات هر شخص و خسارت یا ضرر و زیان هر مالی که بر اثر یک حادثه در تاسیسات هسته‌ای یا در طول حمل و نقل مواد هسته‌ای به وجود آمده باشد، غرامت پیشبینی کرده است.

برخی از کنوانسیونهای بین‌المللی اخیر در سایر زمینه‌ها به طور صریح هزینه‌های اقدامات جلوگیری کننده را در تعریف خسارت در نظر گرفته اند که برای آن کنوانسیون، غرامت پیشبینی کرده است.

البته پروتکل ۱۹۹۷ جهت اصلاح برخی از مقررات کنوانسیون وین و همچنین کنوانسیون تجدید نظر شده پاریس، قلمرو مسوولیت را توسعه داده و علاوه بر خسارات جانی و مالی خسارات وارد بر محیط زیست، زیانهای اقتصادی، عدم‌النفع هزینه‌های بازسازی محیط

^{۲۱}. استوبیر، کارلتون، حقوق هسته‌ای، تهران، ترجمه اصلی عباسی، انتشارات مجد، ۱۳۸۸، ص ۷۹

^{۲۲}. همان، ص ۹۶

^{۲۳}. جعفری، فیض‌الله، حوادث اتمی و اصول مسوولیت مدنی، "مجله پژوهشهای حقوقی"، شماره ۱۳، ۱۳۸۷، ص ۷۴

زیست، ضررهای وارد بر درآمد در نتیجه ورود خسارات به محیط زیست و هزینه اقدامات پیشگیرانه را نیز در بر می‌گیرد. همچنین در این پروتکل پیش‌بینی شده که چنانچه خسارتی به اتباع یک دولت وارد شده باشد، آن دولت به نیابت از ایشان بتواند طرح دعوی کند.^{۲۴} نظر به اینکه خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای تقریباً می‌تواند نامحدود باشد، صنایع طبی، کشاورزی، علمی و... نیازمند تضمین در خصوص این امر هستند که نباید در مقابل هر خسارتی که ممکن است حادث شود، غرامت پرداخت کنند. کلیه کنوانسیونهای بین‌المللی، غرامت محدود و کم را پذیرفته‌اند. البته شایان ذکر است که پروتکل ۱۹۹۷ مربوط به اصلاح برخی از مقررات کنوانسیون وین، مسوولیت متصدی را به میزان ۳۰۰ میلیون (در حدود ۴۰۰ میلیون دلار آمریکا) افزایش داده است که از طریق همکاری دولت‌های عضو به طور دسته جمعی بر مبنای تاسیسات اتمی به میزان ارزیابی سازمان ملل متحد باید پرداخت شود. همچنین در سال ۲۰۰۴ نیز اعضای کنوانسیونهای پاریس و بروکسل با افزایش ماهوی میزان غرامت، محدودیت‌های جدیدی را در مورد مسوولیت وضع نمودند، بر این اساس:

۱. مسوولیت متصدی به ۷۰۰ میلیون یورو افزایش پیدا میکند که باید توسط صندوق بیمه مالی متصدی ارائه شود و کمبود آن باید توسط کشور دارای تاسیسات هسته‌ای از اعتبارات عمومی پرداخت شود.
 ۲. ۵۰۰ میلیون یورو باید توسط کشور دارای تاسیسات (بر اساس اعتبارات عمومی) تامین گردد.
 ۳. ۳۰۰ میلیون یورو نیز باید با مشارکت جمعی کلیه دولتهای متعاقد (بروکسل) پرداخت شود که جمعاً بالغ بر ۱۵۰۰ میلیون یورو می‌گردد.

۴. دادگاههای صالح بر طبق این کنوانسیونها دادگاه‌های صلاحیت‌دار برای رسیدگی به ادعای غرامت، دادگاههای محلی است که حادثه در آن روی داده است. البته قاعده اصلی و کلی این است که اگر ادعا ظرف ده سال پس از حادثه هسته‌ای اقامه نگردد، حق جبران خسارت منقضی میشود.

گفتار سوم: جبران خسارت حوادث اتمی براساس طرح مسوولیت سازمان ملل متحد از آنجا که اکثر کشورهای جهان سوم به کنوانسیون های خاص جبران خسارت بین الملل در خصوص انرژی اتمی ملحق نشده اند، بنابراین در این مقوله از کنوانسیون های خاص بحث نخواهد شد بلکه فقط متعرض مسئله جبران خسارت از دیدگاه طرح های تدوین شده توسط کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل تهیه شده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بند اول: جبران خسارت ناشی از اعمال متخلفانه بین المللی همانگونه که در مطالب پیشین اشاره شد، براساس حقوق بین الملل، مسوولیت دولت ها، اصولاً به صرف نقض تعهد از جانب دولت نقض کننده تحقق پیدا می کند و ورود ضرر شرط تحقق چنین مسوولیتی نمی باشد. نظر به مقدمات مذکور، اعمال طرح مسوولیت بین المللی دولت ها به جهت نقض تعهدات، (و همچنین مسوولیت برای فعالیت های منع نشده و فعالیت های هسته ای صلح امیز) اساساً بلامانع میباشد، لذا قواعد ومقررات حقوق بین الملل مسوولیت دولت ها در خصوص جبران خسارت اتمی قابل اعمال است. به بیان دیگر چنانچه دولتی تعهدات بین المللی خود در زمینه فعالیت های هسته ای را نقض کند و این نقض منتسب به آن گردد، مسوولیت بین المللی چنین دولتی تحقق یافته است.^{۲۵} بند دوم: جبران خسارت براساس مقررات پیش نویس اصول مربوط به تخصیص ضرر و زیان در موارد زیان فرامرزی ناشی از فعالیت های خطر ناک (۲۰۰۶)

در سال ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل، بخش اول طرح خود راجع به مسوولیت بین المللی برای آثار زیان ناشی ازاعمال منع نشده توسط حقوق بین الملل را تحت عنوان پیشگیری ضرر و زیان ناشی از چنین فعالیت هایی تدوین کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پس از ملاحظه پیش نویس مزبور، با تصوب قطعنامه ای از کمیسیون درخواست کرد که به تدوین و بررسی مقررات بخش دوم طرح راجع به جبران چنین زیانهایی بپردازد. در نهایت کمیسیون در ماه می سال ۲۰۰۶ بخش دوم طرح خود را به اتمام رساند. طرح پیش نویس، اصول راجع به تخصیص زیان در موارد ضرر فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک، دارای یک مقدمه و هشت اصل می باشد. این اصول، اصل تعهد به جبران به صرف ورود زیان را پذیرفته است. پیش نویس، دولت ها را ملزم کرده است که با اتخاذ تدابیر خاص، تعهد به جبران به صرف ورود زیان را تعهد بهره بردار، یا برحسب مورد، تعهد شخص یا نهاد دیگر تعیین کنند.

^{۲۴} رضایی، صالح، جنبه های قانونی ایمنی تاسیسات هسته ای در ایران، مجله سنجش و ایمنی پرتو، بهار ۱۳۹۲، شماره ۱، ص ۱۹

منظور از دولت در اینجا دولت منشأ می باشد که پیش نویس ۲۰۰۱ در مورد پیشگیری آن را تعریف کرده است. تدوین کنندگان این پیشنهاد از فرضیه تعهد مستقیم دولتها به جبران به صرف ورود ضرر اجتناب کرده و ترجیح داده اند که در وهله نخست، شخصی غیر از دولت، مسئولیت اصلی جبران ضرر و زیان وارده را برعهده بگیرد

هرچند که پیش نویس ۲۰۰۶ کمیسیون به طور مستقیم دولت ها را متعهد به جبران به صرف ورود زیان ناشی از فعالیت های منع نشده نکرده است، لیکن با تعریفی که از مفهوم بهره بردار ارائه داده، امکان دولتی بودن بهره بردار و بالتبع تعهد مستقیم دولت ها به جبران را منتفی ندانسته است.

بنابراین مسئولیت دولتها در جبران ضرر و زیانهای فرامرزی ناشی از فعالیت های منع نشده، اساساً مسئولیت تضمینی است. به موجب پیش نویس مذکور، دولت ها به هنگام ورود خسارت، تعهدی به جبران نداشته بلکه متعهد و مسئول، شخص یا اشخاصی هستند که مسئولیت اصلی را برعهده خواهند گرفت. این پیشنهاد، تعهد اصلی دولت ها به جبران ضرر و زیان وارد شده را فقط در مواردی که دولت ها بهره بردار فعالیت منع نشده باشند، پذیرفته است. از طرفی، براساس پیش نویس مذکور، در صورتی که دولتها به تعهدات خود مبنی بر تضمین جبران فوری و کافی خسارت عمل نکنند مسئولیت و الزام به جبران ضرر و زیان احتمالی قابل طرح خواهد بود. لیکن تعهد دولت به جبران یک تعهد ثانویه است و پس از احراز مسئولیت بین المللی آن ایجاد می شود. بنابراین نمی توان تعهد به جبران خسارت را بدون داشتن مسئولیت تلقی کرد.

مبحث سوم: حوادث اتمی و جبران خسارت ناشی از آن بر مبنای نظام حقوقی ایران

با توجه به این که خسارت ناشی از حوادث اتمی اصولاً به سبب عمل یک شخص انسانی است و با توجه به فقدان نصوص خاص قانونی در ارتباط با مسوولیت مدنی هسته ای در نظام حقوقی ایران، مسئولیت بهره بردار را باید در قالب مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر یا مسئولیت دولت ناشی از عمل کارمند مطرح نمود.

گفتار اول: تاثیرات حوادث اتمی و مسئولیت در قبال آن

به طور کلی حوادث اتمی اثراتی دارند که این اثرات به دو دسته نسلی و شخصی تقسیم می شوند. اثرات شخصی فقط محدود به دوره حیات موجود زنده است در حالیکه اثرات نسلی در نسلهای آینده ظاهر می شوند.

بند اول: اثرات نسلی

تغییر سرعت موتاسیون ژنهای سلولهای جنسی، اساس اثرات نسلی تشعشعات رادیو اکتیو است. هر تغییری در موتاسیون ژنهای زیان آور است. «سازمان ملی حفاظت در برابر تشعشعات» امریکا، از نظر ژنتیکی رابطه میان دوز و اثر را خطی می داند یعنی هر مقدار از تشعشعات مواد رادیو اکتیو برای انسان مضر است و به طور کلی متخصصین ژنتیک عقیده دارند که: ۱- بیشتر بودن از آستانه مجاز اشعه یونیزان، برای ایجاد اثر زیان آور، لازم نیست و هر مقدار از این اشعه ها مضر است. ۲- اکثر آسیب های سلول غیر قابل برگشت هستند. ۳- تغییرات غیر عادی روی فرزندان والدینی که در معرض تابش تشعشعات رادیو اکتیو قرار گرفته اند، در نتیجه آسیب ژنتیکی است. ۴- بطور کلی موتاسیونها موجب کوتاه شدن عمر، افزایش حساسیت به بیماریها، کاهش باروری و معمولاً اثرات پوشیده و غیر قابل تشخیص می شوند.

بند دوم: اثرات شخصی

با توجه به اینکه تشعشعات مواد رادیواکتیو، مواد را یونیزه می کنند و بدن موجودات زنده نیز از مواد شیمیایی مختلف تشکیل شده است، شدت آسیب سلولها به مقدار انرژی مجذوب در مدت معین بستگی دارد و حساسیت نسوجی چون مغز استخوان، تخمدانها و بیضه ها نسبت به تشعشعات بیشتر است. مواد رادیو اکتیو از راههای مختلف وارد بدن می شوند. آلوده کننده های رادیو اکتیو ممکن است علاوه بر انتشار پرتوهای یونیزان، خطرات مسمومیت شیمیایی را نیز داشته باشند و به صورت گرد و غبار، دود فلزی یا مه دیده شوند. هر آلوده کننده رادیو اکتیو بعد از ورود به بدن در یک عضو بخصوص قرار می گیرد. سرعت دفع نیز به طبیعت شیمیایی ایزوتوپ رادیو اکتیو بستگی دارد. یکی از راههای ورود مواد پرتوزا به محیط زیست و زنجیره مواد غذایی، انجام آزمایشات انفجار هسته ای چه در خشکی و چه در عمق دریاهاست. آثار و نتایج وخیم ناشی از پخش مواد و ذرات رادیو اکتیو در فضا علاوه بر آلودگی محیط زیست و بهداشت، موجب صدمه به نسل و نطفه می گردد. محدود ساختن میزان تشعشعات و پایین آوردن آن در شرایط ضرورت، نشانگر این موضوع است که کلیه ارگانسیم های غیر انسانی و اکوسیستم ها نیز باید مورد حفاظت قرار گیرند.

گفتار دوم: حقوق بین الملل و دفن زایدات هسته ای در حوادث اتمی

در حوادث اتمی می توان زایدات اتمی را مشاهده نمود که دفن آنها و از بین بردن آن ها اهمیت اساسی دارد. از کشف انرژی اتمی تا کنون حجم پس مانده های رادیو اکتیو تولید شده ناشی از صنایع هسته ای، زبردربایی ها، ماهواره ها و آزمایشات سلاحهای هسته ای، دائم رو به افزایش است. پس مانده های هسته ای در آنها از سال ۱۹۴۹ پیوسته خطر بالقوه ای را برای سلامت مردم جهان ایجاد کرده اند. و در صورت تداوم خطرات جدی بوجود خواهند آورد.

بعد از تصویب اساسنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۵۶، این آژانس از ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۷ فعالیت خود را آغاز کرد و از همان ابتدای فعالیت، در زمینه حمل و تخلیه فضولات هسته ای توصیه هایی نموده است. در ابتدا اکثر کشورها برای دفع ضایعات اتمی خود از دریاها استفاده می کردند، لذا در کنفرانس ژنو حقوق دریاها در سال ۱۹۵۸، مسأله منع تخلیه فضولات اتمی در دریا مورد تأکید قرار گرفت. کنفرانس ژنو در قطعنامه ای که در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۵۸ تصویب کرد، توصیه نمود که آژانس با کمک دیگر سازمانهای بین المللی، مطالعاتی به منظور کمک به دولتها در زمینه تنظیم مقررات مربوط به مواد رادیو اکتیو انجام دهد و مقررات مربوطه را در سطح بین المللی گسترش دهد. در تاریخ ۱۶ تا ۲۱ نوامبر ۱۹۵۹ کنفرانسی به دعوت آژانس بین المللی و سازمان یونسکو و مشارکت فائو در موناکو تشکیل شد. در این کنفرانس از مدیر کل آژانس بین المللی خواسته شد که مطالعات خود را در زمینه چگونگی تخلیه ادامه دهد؛ حاصل فعالیت وی ارائه گزارشی شامل توصیه هایی در زمینه تخلیه مواد در ماه آوریل ۱۹۶۱ بود.

گزارش مزبور بعد از مطالعات و انجام بررسی ها توسط سازمانهای ذی صلاح در ۱۹۶۳ به صورت طرح پیش نویس معاهده درآمد. لذا چون مغایر با اهداف دولتهایی بود که خواستار ممنوعیت کامل تخلیه در دریا بودند این طرح تصویب نشد.

از سوی دیگر در کنفرانس ۱۹۷۲ لندن که به دعوت ایمکو تشکیل شده بود، درباره مسایل مربوط به تخلیه فضولات اتمی از طریق کشتی و هواپیما، بطور جامع بحث شد و در تاریخ دسامبر ۱۹۷۲ در لندن کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی بوسیله تخلیه به تصویب رسید و از تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۷۵ لازم الاجرا شد. ماده یک این کنوانسیون مقرر می دارد که دولتهای عضو باید به صورت فردی و جمعی، کنترل همه منابع آلودگی دریایی را تشویق کنند. این کنوانسیون در مورد زایدات، برخوردی دو گانه دارد ضمیمه یک آن شامل یک لیست سیاه است که در آن زایدات یا ترکیباتی که دارای مواد رادیواکتیو به میزان زیاد هستند، ذکر شده اند و کلاً دفع این مواد در دریا ممنوع شده است. در ضمیمه دوم زایدات رادیو اکتیویته ای که در ضمیمه اول نیامده اند طی یک لیست خاکستری بر شمرده شده اند. دفع مواد مندرج در لیست خاکستری در دریا، مستلزم رعایت مقررات آژانس بین المللی انرژی اتمی است. این کنوانسیون آژانس بین المللی انرژی اتمی را، مرجع صالح در مورد دفع زایدات رادیو اکتیو در دریا دانسته است.^{۲۶} در پی دریافت گزارشات، اعضا طی قطعنامه ای دفع زایدات هسته ای در دریا را به انجام مطالعه علمی موضوع، بررسی آثار دفع مواد هسته ای در دریا در مقایسه با دفن آنها در زمین و نیز بررسی همه جنبه های سیاسی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی مسأله موکول کردند.

بر این اساس آژانس با همکاری سازمانهای بین المللی دیگر، ویژگی هایی را در خصوص موارد غیر مجاز دفن آن در آنها ارائه داد. اعضای کنوانسیون ۱۹۷۲ لندن، طی موافقت نامه ای در شانزدهمین اجلاس در سال ۱۹۹۳، دفع زباله های هسته ای در دریا را برای همیشه ممنوع ساختند. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوقی دریاها نیز که در سال ۱۹۹۴ لازم الاجرا شد در موادی، به کاهش آلودگی دریاها و اقیانوسها که دفع زایدات هسته ای را نیز شامل می شود، اشاره دارد.^{۲۷}

گفتار سوم: تداعی مسؤولیت بین المللی و جبران خسارت در حوادث اتمی

اهمیت و جایگاه مسؤولیت در جامعه بین المللی به مراتب بیش از جامعه داخلی است چرا که در جامعه بین المللی کشورها بر اساس حاکمیتشان آزادانه تصمیم می گیرند و این امر به طریق اولی به آزادی برابر با سایر کشورها برخورد پیدا می کند. مسؤولیت بین المللی به عنوان ساز و کار قانونمند در روابط متقابل کشورها اساسی و ضروری به نظر می رسد.

بند اول: مفهوم مسولیت بین المللی

مسئولیت بین المللی یکی از مهمترین و اساسی ترین تأسیسات حقوقی بین المللی است زیرا اصولاً هرگونه تعهد حقوقی بین المللی که از سوی تابعان حقوق بین الملل نادیده انگاشته شده ویا و نقض گردد، بلافاصله در قالب حقوق مسؤولیت بین المللی، مطرح می شود؛

بر مسؤولیت بین المللی آثاری مترتب است، هنگامیکه مسؤولیت بین المللی تحقق یافت کشور و یا سازمان بین المللی مسؤول، مکلف به جبران و ترمیم خسارات وارده است. بنابراین، نتیجه اساسی مسؤولیت، تعهد به جبران خسارت کامل است. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «کارخانه کورزف» در رای خود، جبران خسارات برای طرف مسؤول در قبال نقض هر تعهد بین المللی را ضروری شناخته است.

26. Boyle.AE., Nuclear Energy and International Law An Environmental Perspective, BVIL, 1989,p.89

27. Ibid,p.94

بند دوم: روشهای جبران خسارت

اصولاً "تعیین روش یا روشها و چگونگی جبران خسارت، ابتدا در صلاحیت کشورها یا سازمانهای بین المللی طرف اختلاف و مبتنی بر توافق آنهاست در غیر اینصورت موضوع در صلاحیت مراجع قضایی یا داوری بین المللی است. البته، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بنا به مورد، صلاحیت انجام چنین کاری را بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد دارد. در مجموع روشهای جبران خسارت عبارتند از:

الف) اعاده به وضعیت سابق: اعاده به وضعیت سابق اساسی ترین و بهترین روش جبران خسارت را تشکیل می دهد و دو صورت متفاوت دارد:

- اگر چنانچه خسارت جنبه مادی داشته باشد، با تجدید بنای ساختمان خراب شده متعلق به بیگانه و یا آزاد کردن شخص بیگانه بیگانه و امثال آن، ترمیم تحقق می پذیرد.

- اگر خسارت ناشی از یک عمل حقوقی باشد (مانند قانون یا فرمان مغایر با حقوق بین المللی) با لغو آن و اتخاذ تصمیم داخلی مغایر با آن عمل، خسارت جبران شده تلقی می گردد

ب) جلب رضایت زبان دیده: هنگامیکه خسارت مستقیماً به یک کشور یا سازمان بین المللی وارد آمده باشد او حق دارد از کشور یا سازمان بین المللی متخلف بخواهد تا برای جبران خسارت وارده مخصوصاً اگر خسارت معنوی باشد، با انجام اقداماتی رضایت خاطرش را جلب نماید. این اقدامات اشکال مختلفی دارد اظهار تأسف و عذرخواهی رسمی، اعمال نمادین، مانند ادای احترام نظامی به پرچم یا اعزام نمایندگان ویژه ای برای شفاعت. همچنین غالباً پذیرفته شده است که اعلام خلاف بودن عمل خسارت بار از سوی قاضی یادآور بین المللی نیز به خودی خود، اقدامی است که می تواند موجب رضایت خاطر زبان دیده شود.

ج) قطع و عدم تکرار عمل متخلفانه بین المللی: یکی دیگر از روشهای جبران خسارت، تعهد کشور یا سازمان بین المللی مسؤول به قطع عمل متخلفانه بین المللی یا عدم تکرار آن است. بدین مفهوم که کشور زبان دیده در صورتی که شرایط اقتضا کند حق دارد از کشور متخلف بخواهد تا عمل خلاف را قطع نموده و به زبان دیده تضمین دهد و او را مطمئن سازد که عمل خلاف را تکرار نخواهد کرد.

د) اقدامات متقابل: اقدامات متقابل ضمن آنکه متخلفانه بودن عمل را از حیث بین المللی زایل می سازد و به بیان بهتر، از موجبات رافع مسؤولیت بین المللی است، یکی از روشهای جبران خسارت نیز هست.

ه) پرداخت غرامت: روش پرداخت غرامت معمول ترین روش جبران خسارت است. دیوان بین المللی دادگستری نیز همین نظر را دارد «مسئولیتهای گوناگون کشورها، اختلاف اساسی با یکدیگر ندارند و معمولاً کلیه آنها، با پرداخت مبلغی پول ادا شده و یا ممکن است ادا شوند.» غرامت باید به طور دقیق، صحیح و تا حد امکان مطابق با زیان وارده باشد.

گفتار چهارم: شناسایی مسئول جبران خسارت ناشی از حوادث هسته ای بر مبنای نظام حقوقی ایران

اصل بر شخصی بودن مسئولیت است لیکن در مواردی مسئولیت ناشی از فعل غیر مطرح شده است مانند مسئولیت کارفرما نسبت به افعال کارگران ماده ۱۲ ق.م.م.م. مقرر داشته: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کاریا به مناسبت آن وارد شده است مگر این که محرز شود کهاگر تمام احتیاط هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده، به عمل می آوردند بازهم جلوگیری از ورود زیان مقدر نمی بود کارفرما میتواند به وارد کننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید»^{۲۸}.

بند اول: مسئولیت بهره بردار بر مبنای مسئولیت مدنی کارفرما

در ماده ی ۱۲ ق.م.م.م.م. اولاً باید ورود ضرر از ناحیه کارکنان یا کارگران کارگاه مربوطه باشد و دوم اینکه ورود ضرر بایستی هنگام کار یا به مناسبت آن باشد.

بند دوم: مبنای مسئولیت مدنی کارفرما نسبت به فعل کارگر

در فرانسه «پوتیه» با اقتباس از «گائوس» حقوقدان رومی، تقصیر ناشی از سوء انتخاب کارگر را به عنوان مبنای حقوق مسئولیت کارفرما پذیرفت. با این مقدمه در ماده ی ۱۲ ق.م.م.م.م. فرض بر این است که کارفرما درگزینش کارگر احتیاط ننموده است. یا مرتکب تقصیر در مراقبت و نظارت بر اعمال کارگران خود شده است برخی نیز مبنای ماده را «نظریه ایجاد خطر در برابر انتفاع» و برخی قایم مقامی کارگر نسبت به کارفرما می دانند. و به نظر برخی مبنای ماده نظریه "تضمین حق" یا "گارانتی" است.

لذا اگرچه مسئولیت مدنی کلاسیک مبتنی بر تئوری تقصیر است ولی در مسئولیت مدنی اتمی از اصل نامبرده منحرف شده و اصل مسئولیت محض را پذیرفته اند. و این امر موید عدم کارایی ماده ی ۱۲ ق.م.م.م.م. در باب جبران خسارت ناشی از حوادث هسته ای می باشد.

^{۲۸}. الماسی، نجاد علی و افضلی، مرضیه، قانون حاکم بر الزامات خاص غیر قراردادی، مجله نامه مفید، ش ۶۷، ۱۳۸۷، ص ۷

ماده ی ۱۱ ق.م.م مقرر می دارد: «کارمندان دولت و شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عملاً یا در نتیجه ی بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می باشند ولی هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده ی اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تدمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود». مطابق قسمت اول ماده ی ۱۱ ق.م.م کارمندان دولت و شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها اگر در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن، به عمد یادر نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد کنند، شخصاً مسئول جبران خسارت می باشند.^{۲۹}

در ماده ی ۱۱ ق.م.م دولت صرفاً در مقام «اعمال تصدی» ضامن است نه اعمال حاکمیت. بنابراین اگر انجام فعالیت های هسته ای از مصادیق تصدی باشد، در صورت نقص وسایل اداره دولت خسارت را جبران می کند لیکن چنان چه این قسم فعالیت ها از مصادیق اعمال حاکمیت باشد دولت از جبران خسارات معاف می گردد و خسارات اتمی را بدون جبران باقی می گذارد لذا در خصوص اعمال حاکمیت می بایست تدبیر جدیدی اندیشید که در لایحه جدید مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی که هنوز به تصویب نهایی نرسیده این مشکل حل شده است.

گفتار پنجم: نارسایی های مسئولیت در زمینه حوادث اتمی

کمیسیون حقوق بین الملل در جهت مسئولیت بین المللی دولت ها ضوابطی را تصویب کرده لیکن هیچ یک از طرح های مرتبط مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد واقع نشده و به همین دلیل برای تابعان حقوق بین الملل، مگر در موارد عرفی متبوع دولت ها، لازم الاجرا نمی باشد. علی رغم این که در حقوق بین الملل مسئولیت دولت ها، نقض تعهدات مربوط به پیشگیری از ضرر و زیان هسته ای (البته در صورت انتساب عمل به دولت نقض کننده) موجب مسئولیت است، اما در شرایط کنونی طرح مسئولیت بین المللی دولت ها به جهت نقض این تعهدات و به تبع آن الزام آنها به جبران خسارت با پاره ای از محدودیت ها مواجه است.

نخستین محدودیت، مربوط به ماهیت و محتوای تعهدات بین المللی دولت ها در خصوص پیشگیری ضرر و زیان ناشی از فعالیت های اتمی می شود. بنابراین با وجود ماهیت اعمال مراقبت لازم اثبات نقض این تعهدات از سوی دولت ها و در نتیجه الزام آنها به جبران خسارت وارد شده را با محدودیت مواجه کرده است. محدودیت های دوم، مربوط به این واقعیت است که هنوز در بسیاری از زمینه های فعالیت های اتمی صلح آمیز، اسناد قراردادی الزام آوری مبنی بر پیشگیری ضرر و زیان از چنین فعالیت هایی تدوین نشده است.

محدودیت سوم عدم پیش بینی سازو کار حقوقی حل و فصل اختلاف میان اعضا در پاره ای از معاهدات بین المللی راجع به پیشگیری ضرر و زیان ناشی از فعالیت های هسته ای - صلح آمیز است. وجود چنین نقیضه ای موجب می شود که طرح دعوای مسئولیت علیه دولت های ناقض این معاهدات در عمل محدود و حتی غیر ممکن شود.

یکی دیگر از نواقص حقوق بین الملل فقدان ضوابط خاص و نظام یکپارچه جهانی در زمینه مسئولیت دولت ها و جبران خسارت ناشی از حوادث اتمی است. برای جبران این نقیضه سازمان ملل متحد و آژانس بین الملل انرژی اتمی به عنوان یک نهاد نظارتی و بین المللی می توانند نقش مؤثری را ایفا کنند با توجه به توسعه روز افزون انرژی اتمی و فناوری هسته ای در سطح جهان، آژانس و سازمان ملل متحد با همکاری یکدیگر و با هدف حمایت و تأمین هر چه بیشتر حقوق دولت ها و ملت ها و در جهت حفاظت و حمایت از محیط زیست میبایست بیش از پیش به ضرورت تدوین ضوابط خاص و ایجاد نظام جهانی واحد در زمینه مسئولیت بین المللی و جبران خسارت ناشی از حوادث اتمی در سطح جهانی تأکید کنند و این موضوع را در صدر اهداف بلند پایه سازمانی خود قرار دهند تا زمینه تصویب و اجرای آن به عنوان یک قاعده ی جهان شمول فراهم شود.

نتیجه گیری:

یکی از تعهدات دولت ها در زمینه فعالیت های اتمی، پیشگیری از وقوع حوادث اتمی است. اسناد بین المللی مختلفی به این مهم پرداخته اند، لیکن علی رغم پیش بینی برخی ضوابط، نظام حقوق بین الملل در این خصوص دارای برخی نارسایی هاست.

نظام حقوقی حاکم بر پیشگیری زینهای ناشی از فعالیت های هسته ای صلح آمیز، برخلاف نظام حقوقی حاکم بر پیشگیری اشاعه تسلیحات اتمی، فاقد سازوکارهای نظارتی دقیق است. در این رابطه معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای و بسیاری از معاهدات بین

المللی در زمینه ی عدم اشاعه سلاح های اتمی، مسئولیت نظارت بر فعالیت های هسته ای دولت ها را برعهده آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار داده، تا به عنوان مرجع نظارتی بر اجرای تعهدات دولت ها و پیشگیری از انحراف فناوری هسته ای به تسلیحات اتمی عمل کند. شاید تسری و توسعه این مسئولیت به آژانس بین المللی انرژی اتمی یا مرجعی شبیه آن در سطح جهانی بتواند در رفع بخشی از خلأها و نارسایی ها نظام حقوق حاکم بر پیشگیری زیانهای ناشی از فعالیت های هسته ای صلح آمیز مؤثر واقع شود، مشروط براینکه آژانس یا مرجع فوق به عنوان نماینده انحصاری دولت های خاص یا گروهی از دولت های ذینفوذ عمل نکند و نماینده مجموعه دولت ها باشد.

منابع و مراجع

۱. ابراهیم گل، علیرضا، مسئولیت بین المللی دولت، شهردانش، ۱۳۸۸.
۲. الماسی، نجاد علی و افضلی، مرضیه، قانون حاکم بر الزامات خاص غیر قراردادی، مجله نامه مفید، ش ۶۷، ۱۳۸۷.
۳. استوبیر، کارلتون، حقوق هسته ای، تهران، ترجمه اصلی عباسی، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
۴. جعفری، فیض الله، حوادث اتمی و اصول مسئولیت مدنی، "مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۳، ۱۳۸۷.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۸.
۶. رضایی، صالح، جنبه های قانونی ایمنی تاسیسات هسته ای در ایران، مجله سنجش و ایمنی پرتو، بهار ۱۳۹۲.
۷. ساکت، محمدحسین؛ شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی، مشهد، گوتنبرگ، ۱۳۷۶، چاپ دوم.
۸. صالحی ذهابی، جمال، الماسی، نجادعلی، (راهنما)، قانون حاکم بر مسئولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران.
۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم، سال ۱۳۸۴.
۱۰. کاتوزیان، ناصر؛ مقدمه علم حقوق (مطالعه در نظام حقوقی ایران)، تهران، بهمن برنا، ۱۳۷۳، چاپ هجدهم.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
۱۲. گرچی، علی اکبر، مبانی حقوق عمومی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۱۳. غمامی، مجید، مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر دادگستر، ۱۳۷۶، ص ۲۵.
۱۴. فیوضی، رضا، مسئولیت بین المللی و حمایت سیاسی، انتشارات مرکز مطالعات بین الملل، ۱۳۶۲.
۱۵. منتظری، لیلا، مسؤولیت مدنی خسارات ناشی از حوادث هسته ای در معاهدات بین المللی و مقررات داخلی دولت ها، کتابخانه دیجیتال تبیان،
۱۶. وبر، ماکس؛ اقتصاد و جامعه، ترجمه مهرداد ترابی نژاد و دیگران، تهران، سمت
۱۷. وینسنت اندرو، نظریه های دولت، برگردان حسین بشیریه، تهران: نشر نی، چاپ نخست، ۱۳۷۱.
18. Convention Supplementary to the Paris Convention on Third Party Liability in the Field of Nuclear Energy . (Brussels Convention), Brussels, 31 January 1963
19. The International Responsibility of States for Breach of Multilateral Obligations, Christian Dominicé. EJIL 1999, Vol.10 No.2, p87
20. Boyle. AE., Nuclear Energy and International Law An Environmental Perspective, BVIL , 1989, p.89
21. Draft articles on Responsibility of States for Internationally wrongful Acts (2001), Arts, 30-31
22. Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage, May, 21, 1963